

# هُوَ اللهُ-لك الحمد يا الهى . بما فتحت ابواب ملكوت العظمة...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



## هُوَ اللهُ

لك الحمد يا الهى<sup>1</sup>. بما فتحت ابواب ملكوت العظمة والجلال على وجوه احبائك و ظللت عليهم بشجرة رحمانيتك و ادركتهم بنسمات القبول من رياض فردانيتك و انزلت من سماء الجود ماءً طهوراً و طهرت به قلوب احبتك و احييت بنفثات روح القدس ارواح الذين قاموا على خدمتك و ايدتهم بملائكة قدسك و جنود لم يروها من الملاء الاعلى تأييداً من عندك و توفيقاً من لدنك حتى يقوموا على اعلاء كلمتك و نشر نفحاتك و ترتيل آياتك و ترويح كلماتك و بث تعاليمك و تعميم فيضك و تثبيت ميثاقك و رفع خيام توحيدك الضاربة الاطناب على الملل و النحل فى قطب الافاق المجللة بفيض الاشراق ربّ انا عجزاء ايدنا بقدرتك و اسراء اظهرنا على الكل بقوتك فمن يا الهى للا سير ظهير الا انت و من للمستجير مجير الا انت و من للضعيف نصير الا انت

ربّ ربّ انبت الا باهر فى هذه الاجنحة المنكسرة و انعم بالقوادم للطيور المتدللة حتى تطير الى اوج الفلاح و ترفرف فى فضاء النجاح و تبسط الجناح فى علو ملكوتك الابهى و سمو العظمة الملاء الاعلى و تقرّ عينهم بمشاهدة الانوار و تتلذذ آذانهم باستماع الاسرار و ينتشروا فى مشارق الارض و مغاربها و ينطقوا بالثناء عليك فى مجامع الوفاق و يبشروا بظهور ملكوتك فى قطب الآفاق مندفعة دموعهم من الآماق منجذبة قلوبهم الى الاشراق و يتهلوا اليك و يتضرّعوا بين يديك و ينشرح صدورهم بآيات توحيدك و تقرّ اعينهم بمشاهدة اعلام نصرتك بين برّيتك اللهم اجعل سرورهم ببشارة ظهورك و حبورهم بتشعشع نورك و سكونهم بشمول عنايتك و

<sup>1</sup> شرق و غرب عموم احبائى الهى عليهم بهاء الله الابهى



ORIGINAL



AUDIO

شفائهم ببدیع ذکرک و حیاتهم بنفثات روح قدسک و سلوة قلوبهم بشمول الطافک و منیتهم انتشار امرک و بغیتهم اعلاء کلمتک انک انت المؤید المقتدر الحيّ العزيز المعطى الجميل و انک لعلی کل شیء قدير.

یاران مهربان عبدالبهاء. مدتی بود که در تحریر و تقریر تأخیر شد زیرا این بنده آستان کبریا عبدالبهاء چهار سال متماداً در خاور و باختر سفر مینمود و ندا بظهور ربّ الجنود مینمود تا غرب منور گردد و شرق معطر شود لهذا در جمیع مجامع و صوامع نعره یا بهاء الابهی باوج ملاء اعلی متواصل شد و فریاد یا علی الاعلی بارگاه حضرت کبریا متتابع گشت ملتی نماند که در معابد موجوده تبلیغ امر ملیک وجود نشد و فرقه نماند که در محفل ترتیل آیات ربّ و دود نگرديد در کنائس مسیحیان نفخ روح شد و در معابد یهود بشارت ظهور ربّ الجنود منتشر گشت در دارالفنونهای اروپا و امریک نظیر اکسفرد و انگلیز و دارالفنون کالیفورنیا که اول مدارس عالم است خطاب بلیغ گشت و بیان فصیح شد منجمله در دارالفنون سانفرانسیسکو در مقابل صد و هشتاد و پنج پروفسر و هزار و هشتصد تلامذه بیان بلیغ گردید.

در مجامع سیاسوفیها و روحیون و اسپراتو حتی در مجمع زنادقه امریکا خطابه‌های بدیع مجری گشت و در جمیع این مواقع و محافل و کنائس و معابد بفضل و عنایت جمال مبارک نفسی مقتدر بر کلمه اعتراض و احتراز نشد کل اصغای تعالیم و براهین مینمودند و جمیع در وقت خروج اظهار تشکر میکردند و این بعون و عنایت جمال مبارک بود که در جمیع مواقع تأییدات ملکوت ابهی موج میزد و صریح عبدالبهاء باوج میرسید و البته در جرائد امریک و اروپا که اثر کلک ملل سائر است قرائت نموده‌اید الحق ما شهد به عموم الازکیاء این مندرجات جرائد اثر خامه. ملت روح و ملت کلیم و فلاسفه و پروفسر و ارباب اقلام و ادبای غرب است. مثلاً جریده دارالفنون اعظم کالیفورنیا و جریده اکسفرد دارالفنون شهیر انگلتر و روزنامه کریستچن کامانولث و جریده سانچری و هرالده و استاندارد و جرائد غربی نیویورک جمیع این اوراق بقلم فلاسفه و پروفسر و ادبای باختر تحریر یافته و این نیست مگر از فضل و موهبت جمال مبارک که اراده مطلقه بنشر امرالله در جمیع اقطار تعلق یافته و تأیید عبد آستان نموده. باری عبدالبهاء هر چند خود را قطره داند و لکن محیط اعظم مدّ آن و بمثابه ذره شمرد و لکن خورشید انور مؤید آن. این همه آوازه‌ها از شه بود یعنی بتأیید او.

باری البته جسد عنصری و قوای بشری تحمّل این مشقت مستمری ننماید. و اگر بدرقه عنایت نبود استخوان این ناتوان البته میگذاخت. ولی عون و صون حضرت مقصود نصیر و ظهیر عبدالبهایی علیل و ضعیف بود لهذا از شدت تعب و شکستگی در اعصاب خستگی حاصل شد و از هجوم علل در جسم فتور حاصل گشت. و لکن الحمدلله روح چنان قوتی یافت که این ضعف عظیم و فتور شدید باندک مدتی بکلی زائل گشت. لهذا دوباره عنقریب عبدالبهاء بتحریر و تقریر خواهد پرداخت و مقصود دیگر نیز در این سکون و سکوت بود. که احبای الهی روش عبدالبهاء گیرند و چنان آهنگی بلند کنند و ثبوت و استقامتی نمایند که از بقا و فنای عبدالبهاء فتوری در نشر نفحات الله حاصل نگردد بلکه کلّ مانند دریا بجوش آیند و بمثابه طیور ملاء اعلی بخروش. تا نفوسی که

منتظر فوت و موت این بنده آستان الهی هستند خائب و خاسر شوند و بدانند که علو امر مبارک و سمو کلمه الله منوط و مشروط ببقای عبدالبهانه.

سبحان الله چقدر عجیب است وقتی که حضرت اعلی روحی له الفدا شهید شدند اعدا گفتند که این امر بکلی از میان رفت بعد ملاحظه کردند که بالعکس از شهادت حضرت اعلی اعلاء کلمه الله شده. بعد منتظر صعود جمال مبارک شدند که بعد از صعود جمال مبارک شجره مبارک از ریشه بر افتد الحمدلله که بعون و عنایت جمال مبارک خائب و خاسر شدند. حال مدعیان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهانه هستند که یا گرفتار دار گردد و یا در قعر دریا مقرر جوید و یا بدورترین دیار و قلاع سرگون شود و یا بسبب علل و امراض ترک این آواز و راز نماید تا آنرا جولانگاهی پیش آید هیات هیات امرالله بقوت ملکوت ایهی از جمیع این مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند خواه عبدالبهانه موجود و خواه مفقود.

آیا از صعود آن دو آفتاب درخشنده فتوری در امرالله ظاهر شد تا از فنای این بنده دو درگاه وهنی در امرالله حاصل گردد. هیات هیات فسوف ترونهم فی خسران مبین چنانکه بعد از صعود در بدایت ببحوحه نقض و طغیان خبر داده شد که فسوف تری الناقضین فی خسران مبین. حال ملاحظه مینمائید که بمطابق خبر تحقق یافت. پس مطمئن باشید که این اوهام حاضره نیز مثل تصورات ماضیه است و همچنین بعضی میگویند که عبدالبهانه مشرف بر وداع است و قوای او رو بانحطاط و ناتوانی. لهذا عنقریب این عوارض سبب خاتمه زندگانی گردد. نه چنان است. الحمدلله بعنایت جمال مبارک هر چند جسم در بلایای سبیل مبارک بگان ناقضان و ناقضان ناتوان آید ولی قوای حقیقی در نهایت جوانی و توانائی. و الحمدلله حال بفضل و موهبت جمال مبارک قوه جسمانی نیز حاصل و سنوحات رحمانی شامل و بشارات ربّانی واضح و فرح روحانی لائحه. امید چنان است که من بعد در تحریر و تقریر تلافی مافات گردد

ای یاران با وفای جمال مبارک از الطاف بدیعه آن دلبر امید یکتا چنان است که جوش و خروشی جدید در یاران الهی پدید شود. تا از آهنگ ملکوت ایهی که غیب امکان را باهتزاز آورده سرور و وجدی عظیم یابند و کل بر اعلاء کلمه الله قیام کنند تا نفحات الله خاور و باختر را جنت ایهی نماید و ابر موهبت روی زمین را گلشن برین کند و نسیم عنایت دشت و صحرا را معطر و معنبر فرماید و این به تبلیغ امرالله و توضیح برهان الله و اقامه دلائل و حجج الهی و هدایت من علی الارض است ملاحظه کنید که حواریین حضرت مسیح معدودی قلیل بودند ولی چون از فیوضات حضرت مسیح مملو گشتند و وصایا و نصایح حضرت مسیح چون روح در عروق و شریان سریان یافت بقسمی که جز حب و ذکر حضرت مسیح در وجود نماند و قیام به تبلیغ کردند. واضح است چه اثر و ثمری عظیم حاصل شد. حال ما نیز باید چنین بنمائیم.

ای احبای الهی الیوم هر نفس مبلّغی مؤید است و مبلّغین صف اول مقرب در گاه کبریا و مستمد از ملکوت ابهی. لهذا باید احبای الهی نهایت محبت و احترام و رعایت را در حق مبلّغین مجری دارند و در هر جا وارد کردند سرور و حبور حاصل یابد. اما اوصاف مبلّغین در الواح الهی نازل مطابق آن اوصاف عمل فرمایند والله الذی لاله الا هو. اگر پشه ضعیفی الیوم بصفات مبلّغین متصف گردد و ندا بملکوت الهی نماید نسر طائر آسمانی شود و ذباب فانی عقاب اوج رحمانی گردد. قطره موج دریا زند و ذره روشنائی آفتاب دهد. از جمیع اطراف فریاد این المبلّغین بلند است و از ملکوت ابهی ندای این المنجذبین این المنقطعین این الطیبین الطاهرین بگوش هوش میرسد. زیرا استعداد عجیبی در آفاق ظاهر شده است تا این ندا استماع کنند.

ای یاران الهی همتی نمائید تا این شمع شاهد هر انجمن گردد و این آهنگ الهی سبب شادمانی هر انسانی شود و  
علیکم البهآء الابهی اللهم یا من ماج بحور الطافه و هاج نسیم عنایتیه علی کل قائم علی اعلاء کلمته و کل سارع الی  
مشهد الفداء بقلب طافح بالحبّ و الولاء و نطق بالثناء بین الوری علی جماله الابهی. ربّ اید کلّ من دلح لسانه  
بالبیان فی نشر نفحاتک و انحدرت منه شقائق البرهان ایضاحاً لحجتک و تلاطم کالطمطم الجهنام القمقام  
بذکرک و تغرد هدیور الورقاء فی ریاض معرفتک و زئر زئیر الضرغام فی ایکه موهبتک ربّ جرّهم کاساً طافحة  
من الهدی ورتّهم بسلاف الصّهبآء و انطقهم بابدع البرهان و الهمهم بالحجج و البیان و علمهم جواهر التّبیان انک  
انت الکریم انک انت المؤید القوی العزیز القدیر لاله الا انت ربّ اللطیف الرّحیم در بهار آینده هر کس مستطیع  
باشد یعنی مصارف تامّ کامل حضور و رجوع داشته باشد که بروح و ریحان بیاید اگر استیذان تشرف باستان  
مقدس کند اذن داده میشود حال حکمت منع از حضور. معلوم شد که در این ایام انقلاب چه قدر مشقات  
حاصل میشد فاعتبروا یا اولی الالباب پس واضح شد که آنچه مرقوم میگردد مبنی بر حکمت بالغه است. عبدالبهآء  
عبّاس

